

انسولین محدود به منتخب ها

توزیع انواع انسولین در داروخانه های منتخب و دولتی [شهرود] انواع انسولین در داروخانه های منتخب و دولتی به صورت مستمر توزیع می شود. به گفته مدیرکل دارو و مواد تحت کنترل سازمان غذا و دارو بیماران می توانند با استفاده از اپلیکیشن «تیتک» به راحتی به نزدیک ترین داروخانه ای که انسولین مصرفی آنها موجود است، دسترسی پیدا کنند. سیدحیدر محمدی می گوید: «انسولین قلمی به صورت مستمر و با تعداد محدود اما روزانه به داروخانه های منتخب و دولتی توزیع می شود.» به باور محمدی، با ثبت نسخه در سامانه تیتک هر بیمار تنها به اندازه مصرف ماهانه خود امکان تهیه انسولین قلمی را دارد و دیگر مانند گذشته هیچ فردی نمی تواند مازاد بر نیاز ماهانه خود، انسولین قلمی تهیه و حتی ذخیره کند. «در صورت ورود اطلاعات تکراری برای یک بیمار، سامانه اجازه عرضه دارو را به داروخانه نمی دهد.»

به باور او، انسولین قلمی ارزبرترین داروی مصرفی کشور است. «ثبت در سامانه تیتک کمک می کند علاوه بر جلوگیری از نشت دارو به بازار آزاد و قاچاق معکوس آن، تقاضای انسولین حدود یک دهم کاهش پیدا کرده است.» به گفته مدیرکل دارو و مواد تحت کنترل سازمان غذا و دارو بیماران برای اطمینان از دسترسی به دارو از آسان ترین راه ممکن می توانند با مشورت پزشک معالج خود از انسولین رگولارو NPH که به وفور در داروخانه های سراسر کشور وجود دارد، استفاده کنند.



هلال احمر: به سهمیه بیشتری نیازمندیم

آبان ماه به روزهای پایانی اش نزدیک می شد که عضو هیأت مدیره انجمن داروسازان کشور اعلام کرد میزان انسولین قلمی توزیع شده در کشور محدود بوده و پاسخگوی درخواست های زیاد بیماران نیست. «ارایه کدملی برای دریافت انسولین تصمیم جدیدی نیست و به منظور احراز هویت افراد مبتلا به دیابت از طریق کدملی بیماران صورت می گیرد.» هر چند چند روز قبل از این خبر، رئیس سازمان تدارکات پزشکی هلال احمر گفت با توجه به افزایش ۲ تا ۴ درصدی مراجعات به داروخانه های هلال احمر برای دریافت انسولین، نیاز به افزایش سهمیه انسولین داریم. «علت عرضه انسولین از طریق احراز هویت بیماران به دلیل کمبود دارو نیست، بلکه تفاوت قیمتی بسیار زیاد این دارو در داخل کشور نسبت به کشورهای همجوار و جلوگیری از نشت دارو و اطمینان از دسترسی مصرف کننده واقعی به انسولین قلمی است.»

به گفته دکتر عسکری، جمعیت هلال احمر کشور مجموعاً ۳۷ داروخانه در سطح کشور دارد و امسال مراجعات برای دریافت انسولین دو تا چهار برابر افزایش یافته است. «سهمیه دریافتی هلال احمر که از سوی معاونت غذا و داروی دانشگاه های علوم پزشکی تأمین می شود، افزایشی نداشته است.» صفاریه گفته بود بیماران می توانند با دفترچه بیمه همراه با مهر پزشک معالج به داروخانه های هلال احمر مراجعه کنند و داروهای خود را تحویل بگیرند. «در حال حاضر مشکل ما بیماران دارای نسخ آزاد هستند که امیدواریم این مشکل حل شود.»

رئیس سازمان تدارکات پزشکی هلال احمر گفته بود مشکل دیگر لزوم افزایش سهمیه انسولین به داروخانه های هلال احمر است که برای این منظور نیز باید منتظر پاسخ معاونت غذا و داروی دانشگاه های علوم پزشکی باشیم.

تورها از هم گسسته، لنج ها به گل نشسته



میگو و ماهی که روزی مسافروپا و کشورهای عربی بودند، چرخ می زنند میان بازارهای داخلی. «برای بودن کار می کنیم.»

بسته های میگو و ماهی نام ۱۵ شرکت را به خود می دیدند. ۱۵ شرکتی که بیرون از مرزها اسم و رسمی برای خود دست و پا کرده بودند اما حالا از همه آنها دو شرکت به هر جان کندی است، ادامه می دهند. «با این همه هزینه نمی صرفد.» تولیدی «عباس» هنوز نفس می کشد. «۶۰-۷۰ زن و ۲۰ مرد نان می برند خانه.» از میان رقبا عباس مانده و یکی دیگر که به هرزحمتی است، می خواهند چراغ شرکت شان روشن بماند. «شیلات کمک که نمی کند هیچ، سنگ اندازی هم دارد.» قسط بیمه که عقب بیفتد، یا قبض برقی پرداخت نشود، روزگار «عباس» و همکارانش سیاه است. «دمار روزگارمان درآورده اند.»

«می رود تهران. ما داخل و تصرفی در آن نداریم.»

چهارصد شناور و موتور لنج پهلو می زنند به اسکله آبادان و خرمشهر. پانصد و خرده ای هم قایق هستند. قایق هایی که ناخدا و ملوانانش زیر پوشش تأمین اجتماعی اند برای روز مبادا. «بر اساس فرمول تأمین اجتماعی، بیمه شان را پرداخت می کنند.» موسی کاکایی، رئیس اداره شیلات آبادان از مجوزهای می گوید: مجوزهایی برای رفتن به دریا و برگشت به ساحل. «هر بندری واحدی به نام صدور مجوز دارد.» لنج ها که روز اول میل دریانوردی کردند، نام و نشان شان راثبت کردند؛ از جنس بدنه تا شماره شناسه. هویتی که نشانه ای است برای صدور مجوزها. «هویت شان در سیستم سازمان بنادر و دریانوردی کشور تعریف شده.» ورود، توقف یا پهلوگیری لنج یعنی پرداخت عوارض. «چیز جزئی است.» هر قایق ولنجی که پهلو بگیرد کنار اسکله، عوارضش را هم باید بدهد. «در سنوات گذشته کم بود. دوسالی است بر اساس فرمول سازمان شیلات مبلغی پرداخت می شود.» مبلغی که گفته می شود به حساب شیلات نمی رود و سرز حساب خزانه درمی آورد. «می رود تهران. ما داخل و تصرفی در آن نداریم.» حرف از وام که به میان بیاید، پای بانک ها در میان است. نه خدماتی و نه تسهیلاتی صیادان را حمایت می کند. «کار شیلات احداث اسکله، بازسازی و بهسازی ذخایر آبی و نظارت بر تراکم شناورهاست.» شیلات می گوید بازسازی و بهسازی صیدگاه ها تنها کاری است که از دستش برمی آید. صیدگاه ها که پر شوند از شناورها، سفره صیادان کوچک می شود و بیکاری می افتد به جان صیادان و ملوان ها. «صیادان قانع اند. می گویند ما حرکت و از خدا برکت.»

گزارشی از کساد بازار صید و صادرات ماهی در آبادان

[لیلا مهداد] اینجا گورستان رها شده هاست. همه خوابند؛ پهلو به پهلو. رد آفتاب مانده بر تن شان. جزو مد که بیاید، تکانی می افتد بر اندام شان. مرغان دریایی مرثیه می خوانند برای مرگ پنهان شان. اینجا آخرین ایستگاه لنج هاست. «اغلب لنج ها تلف شده اند.» حسرت تاب خوردن روی آب، مدت هاست مانده بردلشان. تورها علاف پهن شده اند روی عرشه بی ملوان. «حمایت نکردن، ورشکست شدیم.» رویای «محمد» و لنج داران آبادان گره خورده با دریا. تماشای مهتاب از روی عرشه. کشیدن تورها از میانه آب. پیچیدن بوی ماهی و میگوی تازه در اتاقک ناخدا. در روزگار نه چندان دور، هفتصد شاید هم هشتصد لنج هلهله می کردند میان آب. یکی تور بالا می کشید. یکی به افتخار اسکله، سوت می زد. یکی هم میان آرامش دریا منتظر می ماند برای تین زدن ماهی ها به تورها. «از ۷۰۰-۸۰۰ شناور تعدادی غرق شدن یا در اسکله خوابن.»

«هر بار دریا رفتن یعنی یک مجوز.»

تاریکی حکم فرماست. سیاهی شب، ماه را به آغوش کشیده. مهتاب محو تماشای خود در میانه آمدورفت موج هاست. شیطنت امواج، پهلو می زند به سکوت ساحل. زمان به وقت مردان دریاست. لنج ها و قایق ها رنگ قهوه ای، آبی و قرمز می یابند به میانه آب دریا. مأموریت لنج ها شکافتن آب دریاست. لنج به دستور ناخدا می زند به دل آب. صدای «قیژ» موتورها یعنی آماده باش برای تاب خوردن ۱۰ روزه روی آب. «هر ۳۵ روز ۲۰ روزی روی آیم.» «رضا» مرد دریاست. ناخدای کشتی و ۱۰ ملوان. «اگه مشکل موتور، بدنه و ادوات نباشه می زیم به دریا.»

زندگی شان گره خورده به آب و ماهی. چشم دوخته اند به آب های آبادان، خرمشهر، چوئیده، اروندکنار و بندرامام. هوس دریا که کنند دل می سپارند به آب. «هر بار دریا رفتن یعنی یک مجوز.» برگه تردد که صادر شود، تورها امید می بندند به رویای ماهی های ریزو درشت. «هر سفر ۱۰۰ هزار تومان آب می خورد.» ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان سهم اسکله است. بسته به لنج هم ۱۵ تا ۲۰ هزار تومان باید داد. ۴۰ هزار تومان هم هست که یک سالی است اضافه شده به هزینه ها. «۴۰ هزار تومان برای هر سفر» - معلوم نیست این ۴۰ هزار تومان برای چی. پیگیر شدیم، میگن آبادان دستور داده. شیلات میگه سازمان صید گفته. بی نتیجه.»

«نمی ارزد برای ۳۰-۴۰ هزار تومان بی صید ماند.»

۱۳ نهر جا خوش کرده اند در اروندکنار؛ نهرهایی در حسرت لایروبی. هر نهر با عرض ۶ تا ۷ متر و عمقی که به ناچار می رسد به دو متر. «قایق ها نباید اینجا پول اسکله بدهند اما شیلات مجبور کرده پرداخت کنند.» ندادن پول اسکله یعنی نداشتن مجوز زدن به دریا. «نمی ارزد برای ۳۰-۴۰ هزار تومان بی صید ماند.» همیشه روی آب اند. زمستان و تابستان هم ندارد. موج باشد یا نه. هوا صاف باشد یا ابری، دل خوش می کنند به روزی شان در کف دریا. «هر سفر ۱۵ تا ۱۸ میلیون هزینه داره اگه مشکل موتور، بدنه و ادوات نداشته باشی.»

زمستان ها قرارشان با دریا پهن کردن تورها برای ۸ تا ۱۰ ساعت است اما تابستان که بیاید، هر ۳ تا ۴ ساعت توری را می کشند به کفه عرشه. «سوختش را میدن.» لنج ها گازوییل می کشند به جان و قایق ها بنزین. «باید زود به زود واریز کنیم تا سوخت بدهند.» هر بار که قرار ۱۰ روزه می بندند، با دریا دل خوشند به صیدی که شود خرج سفره خانه ها. «سه میلیون و خرده ای پول گازوییل.» اما قرار بنزینی ها ۱۵ روزه است با دریا. «برای ۱۵ روز دریا بودن ۱۰ یا ۹ روز بنزین می دن. بقیه شو آزاد می خرن.»

«چینی ها سرگردنه رو بستن.»

لحظه های شان جان گرفته با خورشیدی که نور طلایی اش را می پاشد به آبی دریا. چشمان شان و جب به وجب دریا را می باید برای تور پهن کردن. ابرها خبرهای راه دور را زیر گوش شان زمزمه می کنند. صدای مرغان دریایی از اتفاقات پیش رو می گوید برایشان. «ما مساحت صید نداریم.» ابرها که از خبرهای خوش گفتند و مرغان دریایی نوید روزی آرام را دادند. لنج لم می دهد به میانه آب. اهرم ها کشیده می شوند. صدای «قیژ» موتورها می خوابد. «تورمان با سرعت جزو مد حرکت می کند تا ماهی خودش را بزند به تور.» به شیوه پدر و پدربزرگ های شان صیادی می کنند. گوشه ای آرام می گیرند و تور را می سپارند به دست آب. «۳-۴ و گاهی ۵ مایل تور پهن می کنیم.»

چینی ها و ترال های شان گذر شان نیفتاده به آبادان اما کمی آن طرف تر میان آب های عمان می مکند شیرجان دریا را. «چینی ها سرگردنه رو بستن.» موتور که مثل ساعت تیک تاک کند، بدنه که زخم برداشته باشد. تور جای دررو ماهی ها را بسته باشد. پول مجوز و عوارض اسکله مهیا باشد. گازوییل به خورد لنج رفته باشد، صیاد می ماند و مهربانی دریا و دریابانی. «دریابانی آبادان و امام خمینی با هم مشکل داشته باشن، داغ دلشون سر صیاد خالی می شه.» هر بهانه دریابانی یعنی یک ماه جا ماندن از صید و صیادی. «مشکلات صیادی پیچیده است. یک ماه دوندگی می کنی تا آزاد شی. کلی هم صید از دست می دی.»

«نه خدمات می دهد نه تسهیلات.»

اینجا همه چیز ۵-۵ است. دریا که مهربان باشد، تورها که لب به لب شوند از ماهی ها، لنج میل ساحل می کند. هیاهوی اسکله یعنی رسیدن به خانه. لنگر خود را می رساند به کف آب. تورهای خالی می نشینند به دادوستد ماهی ها. ماهی های از نفس افتاده می روند روی ترازوها. عایدی لنج که معلوم شد، پول روغن، یخ، تسمه، بیلگی موتور، سوخت و خورد و خوراک می رود کنار. «هر چه ماند ۵-۵-۵ نصف می شود.» ۵۰ درصد اول سهم صاحب لنج است. ۵۰ درصد دوم هم می ماند برای ناخدا و ملوان ها.

راضی اند به رضای صاحب دریا اما اگه مند از دست شیلات. حرف روزی که باشد، می گوید اوس کریم بزرگ است اما پای گلایه های شیلات که به میان می آید، دل پر خونی دارند. «نه خدمات می دهد نه تسهیلات.» قانون و تأمین اجتماعی می گویند هر لنج یعنی یک کارگاه؛ کارگاهی با یک ناخدا و ۱۰-۱۲ ملوان. «صیادان تسهیلات ندارند، برای تعویض موتور، خرید ادوات، وسایل ناوبری و...» می گویند این تسهیلات را باید شیلات یا معاونت صید بدهد به صیاد. «یک قران هم کمک نمی کنند.»

بیمه بودن اجبار است؛ بیمه ای ۲۷ روزه. «صد درصد بیمه را خودمون می دیم ماهی ۲۵۰ هزار تومن.» حسرت شان داشتن حقوق ثابتی است، اعلامی از طرف تأمین اجتماعی. ابرو باد و مه و خورشید و فلک باید بر مدار مهربانی بچرخند تا صیاد نانی به دست آرد. «همه چیز باید مساعد باشد تا صید خوبی داشته باشی. شاید برای همین تأمین اجتماعی نمی تونه حقوق ثابتی برای صیاد اعلام کنه.»

«کارت بازرگانی مان را قفل کرده دولت.»

کاروکاسبی دریا که خوب شد، از صادرات گفتند. لنج ها مسیر کشورهای عربی را بُلَد شدند. بسته های میگوی تازه و ماهی های خوش طعم راهی اروپا شدند. ملوان ها دلخوش شدند به رونق رزق و روزی خانه شان. «کارت بازرگانی مان را قفل کرده دولت.» ارز که بالا و پایین شد، قیمت بازارها نوسان پیدا کرد. دولت بحث بازگشت ارزها را به میان کشید. «می گن ارزها برگشت نخورده. در حالی که هر ۴۸ ساعت برگشت می خورد.»

اوضاع صادرات که خوب شد، اهالی دل بستند به درآمد صادرات. «به ریال خودمان می خریدند با کمی سود. دلار که نمی دادن. الان دلار از کجا بیاریم.» ملوان ها نشستند پای ضرر و سود کارشان و هر بار شکر خدا را گفتند. «به اروپا و حوزه خلیج فارس صادرات داشتیم.» حالا حال صادرات هم خوب نیست. تولیدکنندگان مانده اند و خاطرات روز خوش کاروکاسبی شان. «صادرات صفر شده.» بسته های

نوبت دوم

آگهی مزایده عمومی یک مرحله ای

مجتمع دارویی درمانی هلال احمر ایران

مجتمع دارویی درمانی هلال احمر ایران در نظر دارد نسبت به فروش ضایعات کارتن و گالن های پلاستیکی، که به صورت ماهانه جمع آوری می شود، به مدت یکسال از طریق مزایده عمومی یک مرحله ای، اقدام نماید.

مهلت دریافت پاکت های پیشنهاد: تا ساعت ۱۵:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۴ می باشد.

مبالغ پیشنهادی ضایعات کارتن و گالن های پلاستیکی جداگانه و در پاکت های در بسته اعلام گردد.

تحویل گیرنده پاکت های پیشنهاد: تهران، فلکه دوم تهرانپارس، خیابان شهید ناهیدی، بعد از چهارراه سید الشهداء، پلاک ۲۵، مجتمع دارویی درمانی هلال احمر ایران، ساختمان اداری، طبقه اول، واحد حراست مجتمع.

مجتمع در دعوت از متقاضیان جهت شرکت در جلسه کمیسیون مزایده خود و رد یا قبول هر یک از پیشنهادهای مختار است.

هزینه درج آگهی بر عهده برنده مزایده می باشد.